

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لئونید ساوین (Leonid SAVIN) ، کارشناس سیاسی مسائل بین‌الملل
برگردان: ا. م. شیری (*)
۱۳ جنوری ۲۰۲۵

سوریه جدید به سوی فدرالیسم یا تناسخ خلافت تروریستی؟



اجتناب‌ناپذیری «مسأله کرد» و خطرات رویارونی اسرائیل و ترکیه

روندهای کنونی در سوریه باعث نگرانی بسیاری از بازیگران خارجی- از همسایگان (که کاملاً طبیعی است) و متحدان سابق بشار اسد، مانند روسیه و ایران تا بازیگران غربی شده است که نگران پیشرفت فرآیندهای دولت‌سازی بدون مشارکت آن‌ها و صحبت دولت موقت فعلی فقط از «دموکراسی» هستند که در واقع دیدگاه‌های خاص خود را در مورد آینده این کشور بیان می‌کند.

به همین دلیل، در پشت صحنه راهروهای قدرت، درباره فدرال شدن احتمالی سوریه با تقسیم به مناطق مسؤلیت صحبت‌هایی مطرح می‌شود. این پروژه، یکی از بدترین‌ها نیست. نکته جالب این است که روسیه یک وقتی گزینه مشابهی را به دولت اسد پیشنهاد کرد، اما او نپذیرفت و پس از مدتی همه چیز را از دست داد. از منظر ترکیب قومی-مذهبی، فدرال شدن سوریه کاملاً منطقی است و از لحاظ تاریخی، در دوران قیمومیت فرانسه در ۱۹۲۱-۱۹۲۲، مناطق تحت مدیریت دروزی‌ها (با مرکزیت السويداء)، علویان (لاذقیه) و همچنین، دو قلمرو با مرکزیت به ترتیب دمشق و حلب وجود داشت و لبنان نیز به یک کشور جداگانه تبدیل شد. طرح فدرالیزه کردن سوریه هم از سوی سازمان ملل متحد و هم از طرف واشنگتن در سال‌های جنگ حمایت می‌شد. اما اکنون از درون، فقط کردها فعالانه از این ایده حمایت می‌کنند.

در ارتباط با مخالفان، دولت نسبت به بالکانیزه شدن احتمالی، یعنی جدائی تدریجی مناطق و تجزیه بیشتر سوریه ابراز تردید کرد. علاوه بر این، خود مخالفان سوریه وابسته به غرب و برخی از بازیگران منطقه‌ای، بیشتر مخالف فدرال شدن بودند. اکنون ترکیه نیز که عملاً بسیاری از گروه‌های شبه‌نظامی، به ویژه، بزرگترین آن‌ها، هیأت تحریرالشام (ممنوعه در روسیه) را کنترل می‌کند، با این روند مخالف است. گروه هیأت تحریرالشام به معنای «سازمان آزادی‌بخش شام» که از ایدئولوژی سنی پیروی می‌کند، از درون گروه «جبهه‌النصره»، وابسته به داعش، که خود آن نیز یکی از بخش‌های «القاعده» بود، سر برآورد. نا گفته نماند که همه این گروه‌ها- هیأت تحریرالشام، جبهه‌النصره، داعش و القاعده در روسیه گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند و ممنوع هستند.

اما بدیهی است که پروژه مخالف فدرالی کردن می‌تواند به اسلامی‌سازی (در قالب سلفی) و نئوعثمانی‌سازی سوریه، از جمله سرکوب جمعیت کرد بینجامد. روزنامه خُریت ترکیه گزارش داد که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه هشدار داده است که «اگر پ.ک.ک- ی.پ.ک سلاح‌های خود را زمین نگذارد، اگر بر مدیریت دیگری در سوریه اصرار ورزد و اگر کشورهای غربی در این راستا مطالباتی را مطرح کنند، آنگاه یک اقدام گسترده عملیات نظامی همراه با دولت سوریه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود». در شمال سوریه، ترکیه چندین گروه متشکل از پیروان ایدئولوژی سلفی، افرادی از آسیای مرکزی و قفقاز، از جمله روسیه، و همچنین چین (ایغورها) را تحت کنترل عملیاتی خود دارد. به احتمال زیاد انقره قصد دارد از آن‌ها علیه کردها- ساکنان تاریخی منطقه استفاده کند. نیروهای دفاع از خود فوق‌الذکور، شاخه مسلح نیروهای دموکراتیک سوریه هستند و از طرف امریکائی‌ها حمایت می‌شوند.

ترکیه آشکارا به کنترل کامل عفرین، اعزاز، منبیج و تل‌رفعت علاقه‌مند است که این نیز ناگزیر به تشدید دور جدید تشنج‌ها منجر خواهد شد. بنابراین، دولت اردوغان، به ویژه پس از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، صرفنظر از میزان تمجید او از رهبر ترکیه، در شرایط دشواری قرار خواهد گرفت. آنچه به حزب کارگران کُردستان (پ.ک.ک)، نماینده یک ساختار حمایتی برای کردهای سوریه، عراق و ترکیه (در ایران در سطح توطئه پنهان) مربوط می‌شود، این است که بر اساس اطلاعات داخلی طرف کُرد، به احتمال زیاد اصلاح خواهد شد و حتی، شاید به منظور کاهش تشنج‌های سیاسی در ترکیه به بخش‌های مختلف تجزیه شود. در عین حال، هماهنگی بین جناح‌های مختلف کُرد به منظور تداوم ستراتیژی مشترک حفاظت از هویت خود و طراحی آینده، ادامه خواهد یافت.

با سقوط دولت اسد، کُردها ترسیم مجدد مرزهای منطقه را که بازتاب پیامدهای جنگ جهانی اول بود و منافع حیاتی آن‌ها را در نظر نمی‌گرفت، اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کنند. اگر کُردها در عراق موفق به کسب خودمختاری شدند، اکنون تلاش خواهند کرد تا فرصت مشارکت در سرنوشت «نوسازی» سوریه را صرف نظر از هزینه آن از دست ندهند. با در نظر گرفتن حامیان قدرتمند خارجی آن‌ها و حمایت آشکار یکسری از کشورهای آرزوهای آن‌ها ممکن است در قالب سیاسی گنجانده شود.

علاوه بر امریکا و احتمالاً کشورهای اتحادیه اروپا که از طرح فدرالی کردن و در واقع کردها (و مسیحیان) سوریه حمایت خواهند کرد، اسرائیل، به عنوان یکی دیگر از بازیگران جدی منطقه‌ای می‌تواند در روندهای کنونی مداخله کند. اسرائیل با پیگیری مسائل امنیتی خود، تا کنون بخشی از سوریه را اشغال نموده و این را با لزوم گسترش منطقه حائل در نزدیکی بلندی‌های جولان (که خیلی سال‌ها پیش اشغال کرده است)، توجیه می‌کند. اسرائیل مستقل از این که چه کسی نخست وزیر باشد، با توجه به روابط ویژه بین ترکیه، اخوان المسلمین (ممنوعه در روسیه) و جنبش حماس، اجازه نخواهد داد یک پروژه سلفی-نئوعثمانی در مرزهایش شکل بگیرد.

روزنامه اورشلیم پست همچنین گزارش داد که اسرائیل باید در بحبوحه تلاش‌های ترکیه برای احیای امپراتوری عثمانی، برای رویارویی مستقیم با ترکیه آماده باشد.

در یک یادداشت تحلیلی که به نخست وزیر، وزیر دفاع و وزیر دارائی اسرائیل ارائه شده، گفته می‌شود که خطر اتحاد گروه‌های سوریه، در واقع یک تهدید امنیتی برای اسرائیل است و نیروهای تحت حمایت ترکیه می‌توانند به عنوان نیروهای نیابتی عمل کنند و به بی‌ثباتی در منطقه دامن بزنند.

به همین دلیل، تل ابیب هم از طرفداران فدرالیسم و تشکیل یک دولت سکولار و هم از گُردها- متحدان دیرینه خود فعالانه حمایت خواهد کرد.

اسرائیل پس از تشکیل، خود را در یک محیط عربی متخاصم یافت و مجبور شد به دنبال متحدان منطقه‌ئی برای خود باشد. یکی از آن‌ها ایران قبل از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بود. گُردها، یکی دیگر از متحدان اسرائیل بودند و اسرائیل از اولین قیام ملا مصطفی بارزانی در عراق در سال ۱۹۶۱، فعالانه از آن‌ها حمایت کرد.

حضور گُردها در ساختارهای حاکمیتی اسرائیل دومین عامل مهم شمرده می‌شود. اگرچه عموماً اعتقاد بر این است که اسرائیل محل زندگی قوم یهود است (به جز اقلیت عرب، دروزی‌ها و برخی دیگر)، اما اینطور نیست. تعداد زیادی جوامع دور از وطن (دیاسپورا) کُرد در این کشور فعالیت می‌کنند و در زندگی سیاسی آن کاملاً دخیل هستند. دلیل حضور گُردها در اسرائیل این است، که در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، خانواده‌های کُرد معتقد به یهودیت از سوریه و عراق اخراج شدند. اکنون در اسرائیل حداقل ۲۰۰ هزار نفر دارای ریشه کُردی زندگی می‌کند. به عنوان مثال، **گیدنون سار، وزیر خارجه فعلی و ایتامار بن‌گوریر، وزیر امنیت ملی (که دارای دیدگاه‌های نسبتاً افراطی صهیونیستی است)، اصالتاً کُرد هستند.** علاوه بر این، بسیاری از افسران عالی‌رتبه ارتش اسرائیل و سایر نیروهای امنیتی نیز کُرد هستند.

داده‌های کنونی نشان‌دهنده آغاز یک دوره جدید و نسبتاً دشوار برای سوریه است. اگرچه روسیه هنوز حضور حداقلی خود را در آنجا حفظ می‌کند، لازم است گزینه‌های مختلف اقدام، از جمله، ایجاد ساختار امنیتی منطقه‌ئی ارزیابی شود. با توجه به امضای قریب‌الوقوع توافقنامه مشارکت ستراتیژیک جامع با ایران، موضوع سوریه را نمی‌توان نادیده گرفت. این طرح‌ها از ابتدا باعث نگرانی امریکا شده و امریکائی‌ها توافق جدید بین روسیه و ایران را مقدمه بازگشت گروه‌های مسلح ایران به سوریه و کمک‌های بیشتر به «حزب‌الله» ارزیابی می‌کنند.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

-(*بی‌نوشت مترجم):

پس از آن که ایرانی‌ها بعد از تقریباً دو دهه هیاهوی تبلیغاتی، در سوریه «بند را به آب دادند»، اغلب مقامات رسمی جمهوری اسلامی و حتی همه تحلیل‌گران مقلد و مکلف، در به اصطلاح بررسی‌های خود از علل سقوط سوریه، چنان «چوب تکفیر» بر سر دولت سوریه و حتی در موارد زیادی، بر سر فدراسیون روسیه کوبیدند و هنوز هم می‌کوبند که انگار در این کشور از اوایل دهه ۱۳۹۰ هیچ اتفاق خاصی نیفتاد، هیچ گروه تروریستی تحت مدیریت امریکا و آقمارش ساخته نشد، امریکا و نیابتی‌هایش هیچ نقشی در جنگ و خونریزی‌های دهشتناک چهارده ساله در سوریه نداشتند، الا خود دولت سوریه و شخص بشار اسد که باعث سقوط کشورش شد و الی‌آخر...

چنین نقطه‌نظرات یا به اصطلاح تحلیل و بررسی‌ها، صرف‌نظر از مقام و موقعیت فرد در سلسله مراتب حاکمیتی، در واقع تلاش‌هایی هستند برای تطهیر و تبرئه مقصران اصلی سقوط سوریه و طراحان «خاورمیانه بزرگ» و لاغیر!

اظهارات عباس عراقچی، وزیر خارجه و پاسداری به نام بهروز اثباتی بهترین نمونه‌های چنین روش تیرنه عامل و مقصر اصلی حوادث هستند.

این رویکرد و روش برخورد به حوادث مختلف (مقصر شمردن قربانی)، به دنبال تجزیه اتحاد شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از سوی طراحان و رسانه‌های امپریالیستی- صهیونیستی به طور گسترده به اذهان عمومی القاء شد و چنان بشدت رواج یافت که اثرات آن را در تمام حوادث سه و نیم دهه اخیر به وضوح می‌توان دید.

۲۳ دی-جدی ۱۴۰۳